گفت‌وگوی «جوان» با حمید شاهنگیان سازنده سرودهای خاطره‌انگیز اوایل انقلاب

کلمه مبتذل درباره موسیقی امروز همان اندازه بی‌جا است که کلمه فاخر

■ جواد محرمی

حمید شاهنگیان با پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۰ رئیس شورای موسیقی و شعر صدا و سیما بود. ۱۲بهمن سال ۵۷ مراسم استقبال از امام خمینی(ره) با حضور میلیون‌ها نفر از مردم سراسر ایران در بهشت زهرا و در کنار مزار شهدای انقلاب برگزار شد. در این مراسم تلاوت آیات قرآن توسط محمد اصفهانی که در آن زمان نوجوان بود در فرودگاه مهرآباد توسط حمید شاهنگیان ترتیب داده شد. برخی از معروف‌ترین سرودهای انقلابی با رهبری وی ساخته شده است. «جوان» به مناسبت انتشار کتاب «برخیزید» که توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی(راه یار) منتشر شده و خاطرات این هنرمند درباره سرودهای انقلابی است با وی گفت‌وگو کرده است.

■■■

انتشار کتاب خاطرات شما از موسیقی اوایل انقلاب با عنوان «برخیزید» بهانه این گفت‌وگو شد. چطور شد این خاطرات را منتشر کردید؟

حقیقت این است که من به دنبال جمع‌آوری خاطرات نبودم. دوستان لطف کردند و با توجه به اینکه علاقه‌مند به جمع‌آوری تاریخ شفاهی انقلاب هستند، از میان مصاحبه‌های مختلفی که من داشتم و مصاحبه‌هایی که انجام دادند، مجموعه کاملی را تدوین کردند که ممنون هم هستم. خودم را لایق آن نمی‌دانستم که خاطراتم کتاب شود اما لطف کردند و برای اینکه بخشی از تاریخ موسیقی انقلاب ماندگار شود، این کار را کردند.

الان که آن موسیقی‌ها را گوش می‌کنید چه احساسی دارید؟ همچنان آن شور و حرارت گذشته را در وجودتان حس می‌کنید؟

احساسی که این روزها و این سال‌ها نسبت به آن کارها دارم مقداری با احساس اولیه متفاوت است. احساس اولیه این بود که داریم کاری را در حد توان برای آرمان‌های انقلاب اسلامی انجام می‌دهیم و این خوشایند بود و امروز که آنها را گوش می‌کنم گاهی اشک شوق دارم و گاهی اشک درد. شوق برای اینکه کارهایی انجام دادیم که در ذهن جامعه ماندگار شد و تأثیراتی کم و بیش در فضای کشور داشت و اشک درد برای اینکه چرا امروز دلایلی که باعث بروز آن حالت شوق می‌شد در جامعه، در من و در زوایای مختلف زندگی امثال من کم‌رنگ شده است. حس من، حس دوگانگی است، اصلاً حس پشیمانی نیست. خیلی‌ها از من سؤال می‌کنند که پشیمان نیستی؟! من به ضرس قاطع و محکم می‌گویم اصلاً پشیمان نیستم و اگر صدبار دیگر به دنیا بیایم و همان شرایط باشد با همه آن مشخصه‌هایی که داشت حالت نیاز مردم و خیلی چیزهای دیگر و... باز هم اگر از دستم کاری بربیاید انجام می‌دهم. ولی حالا اینکه همه آن کارهایی که می‌خواستیم انجام بدهیم به نتایج مطلوب رسید یا نه، باید بگویم طبیعتاً بخش‌هایی از آن نرسید، بخش‌هایی از انقلاب ما به نتیجه نرسید.

شما از آهنگسازان تأثیرگذار موسیقی انقلاب هستید، فضای کنونی موسیقی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خیلی خودم را در موسیقی کل کشور تأثیرگذار نمی‌دانم. در یک ژانر خاص موسیقی شاید بتوانم ادعا کنم که شروع‌کننده یک حرکت بودم که دنباله‌روهایی هم داشت که خیلی از آنها بعدها در این راه از من بهتر کار کردند اما درباره اینکه وضعیت موسیقی امروز چگونه است باید بگویم آن تأسف را اینجا هم باید داشته باشم که شاید برنامه مدون و درستی برای حرکت دادن به موسیقی انقلاب نداشته و نداریم. یک جاهایی شیرازه کار از دست دررفت. یک جاهایی به اشتباه فکر کردیم که باید با موسیقی‌های لس‌آنجلسی رقابت پایاپای داشته باشیم تا گروهی از جوانان‌مان، که به آن سمت و سو کشش پیدا کرده‌اند، را جذب کنیم و گاهی به همین دلیل از آن طرف بام افتادیم. خیلی وضع موسیقی امروز را نمی‌پسندم. کارهایی را که باید واقعاً ماندگار باشد و پیام خوبی داشته باشد از ساختار موسیقایی خیلی خوبی برخوردار باشد، زیاد نمی‌شنویم. نه در رادیو و تلویزیون که به تعبیر حضرت امام(ره) دانشگاه عمومی است و توقع این بود که اصلاح سلیقه کند. از وزارت ارشاد و مجوزهایی که برای تولید موسیقی‌های بی‌اثر و کم‌اثر و غیرمفید می‌دهد نمی‌توانیم امیدوار باشیم که اتفاق خوبی خواهد افتاد.

شما سال‌ها در غرب زندگی کردید، موسیقی غرب را خوب می‌شناسید. می‌توانید مقایسه‌ای بین موسیقی غرب و موسیقی خودمان داشته باشید؟

موسیقی ما به شدت آغشته به فضای غربی شده است. موسیقی اصیل ایرانی ما که با سازهای خاص ایرانی نواخته شود و ملودی‌های ویژه ایرانی، خیلی کم شده است. شاید دلیل کم شدن آن هم عدم اقبال عمومی جامعه باشد. شاید هم نتوانیم ظرفیت خیلی بالایی برای موسیقی اصیل خودمان قائل باشیم، اگرچه پشتوانه خیلی قوی دارد اما شاهد حرکت پا به پای آنها نبودیم. شاید با تغییراتی که امروزه در اذهان جوانان ما و دنیا حاصل شده، نوابغی پیدا شوند که بتوانند این نقیصه را در موسیقی اصیل ما برطرف کنند. رنگ و رخ عمده موسیقی کنونی ما غربی است. حتی موسیقی ایرانی که ارائه می‌شود، سازبندی ۷۰درصد آن سازبندی غربی است و سازهای ایرانی کمتر در آنها نقش دارد. به همین دلیل خیلی نمی‌شود از آن انتظار داشت که بتواند فریاد بزند و بگوید من یک موسیقی اصیل ایرانی هستم و در جهان سری بین سرها بلند کند.

آن موسیقی‌های اوایل انقلاب را شما قبل از پیروزی انقلاب ساختید؟

من اردیبهشت سال ۵۷ یعنی حدود ۹ ماه قبل از پیروزی انقلاب به ایران بازگشتم. تمام کارهای مؤثری که تولید کردم در همان ۹ماه قبل از پیروزی انقلاب اتفاق افتاده است.

چطور شد بعد از آمدن به ایران سریع سراغ موسیقی انقلاب رفتید؟

من برای اینکه همپای انقلاب باشم به ایران آمدم و در این زمینه تلاش هم کردم. همه سرودهایی که ماندگار شدند و بخشی از تاریخ هنر انقلاب شد مثل «خمینی ای امام»، «برخیزید ای شهیدان راه خدا»، «نصر من الله» و «۱۷ شهریور» در آن برهه زمانی قبل از پیروزی انقلاب تولید شده است. امیدوارم مورد قبول درگاه احدیت و ملت بزرگمان قرار گرفته باشد.

ساخت این سرودها در آن شرایط بحرانی و سخت و برقراری حکومت نظامی و حضور گسترده نیروهای ساواک، برای شما خطر نداشت؟

دوران سخت و خطرناکی بود. کار ما در واقع مبارزه مستقیم و رودرروی فرهنگی با حکومت شاه و تمام دستگاه‌های فرهنگی رژیم بود. کار خطرناکی بود و انجامش هم سخت بود. اگر یاری خداوند نبود، قطعاً موفق نمی‌شدیم و نمی‌توانستیم این کارها را به نتیجه برسانیم. در این مسیر شاهد امدادهای غیبی الهی بودم. زمانی که وضع‌مان بهتر شده بود و گروهی تشکیل داده بودیم و از تک‌نفره بودن خارج شدیم، برای ضبط کارها به زیرزمینی می‌رفتیم که اتاق صوت حسینیه ارشاد بود، اتاقی کوچک در حد دو متر در دو متر بود. قبل از شروع حکومت نظامی خودمان را به صورت انفرادی و نه دسته‌جمعی، به آنجا می‌رساندیم. ناچار بودیم تا ۶صبح فردا در آنجا بمانیم و نمی‌توانستیم از آنجا خارج شویم. یعنی شش نفر آدم در فضای کمتر از چهار متر مربع حدود هشت ساعت می‌خواندیم و کار می‌کردیم. امکانات ضبط صوت هم که مثل امروز نبود. مرتب خراب می‌شد. هر بار که یک سرود را تمرین می‌کردیم اگر یک کلمه آن درست ادا نمی‌شد، مجبور بودیم تمام سرود را از ابتدا مجدداً بخوانیم. شما الان پشت صحنه‌های فیلم‌ها را که نگاه کنید، متوجه می‌شوید که اگر بخشی از کار خراب شود آنها کات می‌دهند و مجدد همان قسمت را تکرار می‌کنند اما برای ما این امکان وجود نداشت. چون تجهیزات امروزی و دیجیتال در اختیار نداشتیم. این قطع شدن کار و تکرار آن هم شیرین و هم خسته‌کننده بود. همه اعضای گروه هم خواننده حرفه‌ای نبودند که بتوانیم هشت ساعت بخوانیم و تارهای صوتی به ما کمک کند که ادامه بدهیم. اینها اتفاقات معمول کار ما بودند. در یکی از این شب‌ها که در همان اتاق حسینیه ارشاد بودیم، کار که تمام شد، سکوتی حاکم شد. متوجه شدیم که از پشت دیوار حسینیه صدای صحبت کردن چند نفر می‌آید. چون حکومت نظامی بود، کسی نباید در آن موقع در خیابان باشد. حدس زدیم که آنها نیروهای رژیم هستند و صدای ما که سرود می‌خواندیم، را شنیدند و محل ما را شناسایی کرده‌اند و الان است که ما را دستگیر کنند. محمدرضا شریفی‌نیا با ما بود که زرنگی‌های خودش را داشت. خیلی سریع از اتاق بیرون رفت و از پله‌ها به پشت بام حسینیه رفت تا راه فراری پیدا کند. بعد از چند دقیقه برگشت و گفت اتفاق عجیبی افتاده است. در این وقت حکومت نظامی که کسی رفت و آمد ندارد، اینها در حال آسفالت خیابان پشت حسینیه ارشاد هستند. داشتند آسفالت نو می‌ریختند که میکسر آسفالت که خیلی هم پر سر و صداست، دقیقاً پشت اتاق ما بود و صدای آن دستگاه موجب شده بود تمام مدتی که ما در حال خواندن و تمرین سرود بودیم، کسی صدای ما را نشنود. وقتی کار ما تمام شد در آن سکوت، ما صدای کارگرها را از بیرون شنیدیم و این لطف خدا بود که اینها بیایند و دستگاه‌شان را آنجا کار بگذارند تا جای ما شناسایی نشود. از این اتفاقات در طول آن ماه‌های خطر و خوف و خفقان برایمان زیاد افتاد.

> **مسئولان تا دیر نشده باید به داد فرهنگ موسیقایی مملکت برسند. موسیقی اوایل انقلاب هنوز هم برای مردم خوشایند است. باید بررسی کرد آنها چه ویژگی‌هایی داشتند که چنین ماندگار شده و اساساً موسیقی برای اینکه ماندگار بماند باید چه ویژگی‌ای داشته باشد**

اولین موسیقی که ساختید کدام بود؟

اولین سرود «۱۷ شهریور» بود. بعد از واقعه ۱۷ شهریور میدان ژاله و کشتار هموطنان به آنجا رفتم و با دیدن کشته‌ها و زخمی‌ها و خون‌های جاری بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. با خود گفتم هر طور که شده، این صحنه‌ها باید در تاریخ ثبت شود. حتی به فکر نقاشی صحنه افتادم. بعد به سرودن شعر فکر کردم. در نهایت به این نتیجه رسیدم که اگر روایت این واقعه را به صورت سرود بر سر زبان‌ها جاری کنم، ماندگار خواهد شد و این کار را کردم و همان شد که می‌خواستم. درست است که ۱۷ شهریور یکی از روزهای فاجعه‌آمیز بود و تعداد زیادی از مردم در آن روز به شهادت رسیدند اما در آن دوران کشتارهای دیگری هم توسط سفاکان رژیم پهلوی صورت گرفت مثل واقعه شب اول محرم و کشتار سرچشمه و کشتارهای دیگری که در تهران و شهرستان‌ها اتفاق افتاد، اما چرا واقعه ۱۷ شهریور اینچنین ماندگار شد و هر سال مراسم سالگرد می‌گیرند و درباره آن صحبت می‌کنند و مثل واقعه ۷ تیر بعد انقلاب، در خاطره‌ها مانده است؟ به نظرم نقش این سرود در ماندگاری آن غیر قابل انکار است.

شعر بسیاری از سرودهای اوایل انقلاب متعلق به حمید سبزواری است، آشنایی شما با ایشان چگونه شکل گرفت؟

شعر پنج یا شش سرود اولیه را خودم سرودم. چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از خدام و مداحان معروف از دنیا رفته بود و من همراه یکی از دوستان به مراسم یادبود وی رفتیم. دوستم در آن مجلس به من گفت می‌خواهم یک نفر را به شما معرفی کنم که شاعر خوبی است و من آنجا آقای سبزواری را شناختم. از همان شب فعالیت‌های مشترک را شروع کردیم. از آن پس من دیگر شعر خودم را کنار گذاشتم و از شعرهای ایشان استفاده کردیم که به سرودهای حماسی ماندگار تبدیل شد.

شما سال ۵۸ با حضرت امام(ره) دیدار داشتید. ایشان در مورد سرودهای شما نظری داشتند؟

من توفیق دیدار مکرر با امام (ره) را داشتم اما یک دیدار کاملاً خصوصی سه نفره را سال ۵۸ در منزل ایشان در قم داشتیم. وقتی رفتیم آقای شیخ حسین انصاریان به امام گفت این کارها را این جوان (آن زمان من جوان بودم) انجام داده است. امام نگاه بسیار محبت‌آمیزی کردند و چندین بار در طول مدتی که نشسته بودیم، نگاه محبت‌آمیزشان را نثار من کردند که به من انرژی داد. هنوز که هنوز است از آن انرژی بهره می‌برم.

شما بعد از انقلاب رایزن فرهنگی ایران در هند بودید. نظر هندی‌ها درباره انقلاب و امام خمینی چه بود؟

برای اینکه نشانه‌ای از نظر مسلمانان هند چه شیعه، چه سنی و چه صوفی و غیره نسبت به امام و انقلاب را عرض کنم باید به زمان رحلت امام(ره) اشاره کنم. بعد از رحلت امام(ره) ما شاید بیش از دو ماه شب و روز نداشتیم چون تقریباً هر روز گروه‌های چند صد نفره برای عرض تسلیت به رایزنی و سفارت مراجعه می‌کردند. بعد در گوشه و کنار کشور هند روزی نبود که مراسم بزرگداشتی به یاد امام(ره) تشکیل نشود. آن‌قدر مراسم زیاد بود که ما نمی‌توانستیم در همه آنها حضور پیدا کنیم. اعضای سفارت به‌ویژه کسانی که از نظر سخنرانی و دانش سیاسی توانمند بودند را تقسیم‌بندی کرده بودیم تا هر کدام به یک مراسم بروند. یک جاهایی را سفیر می‌رفت، برخی مراسم‌ها را هم من یا دیگر دوستان می‌رفتیم تا بتوانیم به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران و خانواده حضرت امام(ره) به احترامی که برای امام(ره) گذاشتند، احترام بگذاریم. مجالس آنها آن‌قدر زیاد بود که تمام اعضای سفارت از زندگی و خواب و خوراک افتاده بودند و این استقبال مردم از امام (ره) و انقلاب خیلی عجیب بود.

اگر اجازه بدهید برگردیم به سؤالات مربوط به موسیقی، برخی کارشناسان از ابتذال موسیقی در دوران کنونی می‌گویند. شما با آن موافق هستید؟

کلمه مبتذل درباره موسیقی امروز همان اندازه بی‌جا است که کلمه فاخر. به هیچ کدام از اینها اعتقاد ندارم و فکر نمی‌کنم در طول ۲۰ سال اخیر در جمهوری اسلامی ایران حتی به تعداد انگشتان دست موسیقی تولید شده باشد که بتوان نامش را موسیقی فاخر گذاشت. آیا می‌شود تیترش را موسیقی فاخر گذاشت؟! آیا واقعاً این اسم بامسما هست؟! این برای من علامت سؤال بزرگی است. از آن طرف هم در مورد بحث ابتذال باید بگویم که گاهی اوقات از روی ژست روشنفکرانه است که برخی دوست دارند ژست بگیرند و بگویند فلان اثر مبتذل است. مثل کسی که بگوید من صدا و سیمای جمهوری اسلامی را نگاه نمی‌کنم و این برایش یک افتخار است. این نشانه‌ای از تفاوت فهم او با تفاوت فهم جامعه است که به نظرم همه اینها بازی است.

می‌توان گفت موسیقی الان روزگار خوشی دارد؟

نه اصلاً چون متولیان امر یا نمی‌خواهند یا نمی‌دانند یا نمی‌توانند کاری بکنند که موسیقی مسیر صحیح خود را پیدا کند. در این میان برخی به فکر افتادند که حالا در را باز کرده و هر جوانی که می‌تواند کاری به عنوان موسیقی انجام دهد وارد میدان شود، این اتفاق موجب شد جوانی که نمره ادبیات فارسی‌اش در دبیرستان ۱۰ یا ۱۲ بوده شاعر ترانه‌های امروز ما شود. طبیعتاً ترانه‌ها از کیفیت بسیار پایینی برخوردار است. خودش ملودی‌اش را می‌سازد، خودش تنظیم می‌کند و خودش یا کسی در حد خودش آن را می‌خواند. در واقع تیمی که این کار را انجام می‌دهد تیم توانمندی نیست. به قولی باید گفت از کوزه همان تراود که در اوست. چه انتظاری می‌توان از کسی داشت که ترانه‌های مادری خود را بلد نیست. از طرفی دیگر سلیقه جامعه را با این کارهای سطح پایین و سخیف به شدت پایین آوردیم و این باعث شده تا اگر اثری دارای برجستگی و فرهیختگی باشد مطلوبیت عمومی‌اش را در جامعه پیدا نکند برای اینکه صدا و سیما که مسئول این کار بوده کار را درست انجام نداده است. سلیقه‌ها هم با آنچه مطلوب است بسیار فاصله دارد و انتظاری غیر از این نمی‌شود داشت چون سیاست‌گذاری‌های ما غلط است. جوامع غربی برای تولید بهترین موسیقی بزرگ‌ترین افراد و شاعرها را به کار می‌گیرند تا یک موسیقی مناسبتی به تناسب مذهب و ایام خاص خودشان داشته باشند. موسیقی مناسبتی ما معمولاً یک موسیقی آزمایشی و آموزشی است. یعنی هر کس می‌خواهد وارد دایره موسیقی‌سازها شود اولین کاری که از او می‌خواهند این است به او می‌گویند برو یک کار مناسبتی بساز! و به خواننده‌ای هم می‌گویند تو هم بیا بخوان، معلوم است کاری که با این وضعیت تولید شده باشد نتیجه‌اش چیزی بهتر از آنچه الان می‌بینیم نخواهد بود. به نظر من گروه متخصص و متعهدی سردمدار به سامان رساندن موسیقی مملکت نیست و در نتیجه انتظار زیادی از کارهایی که تولید می‌شود نمی‌توان داشت.

با نظارت بر تولید موسیقی موافق هستید؟

من از کلمه «نظارت» خیلی ضربه خوردم. در این سال‌ها طبق شواهدی که داریم، در نظارت به شدت به بیراهه رفته‌ایم. به طور مثال سرود «خمینی ای امام» به مدت دو سال توسط همین دستگاه نظارتی از پخش محروم شد و اجازه پخش نداشت. دلیلش هم این بود که مجموعه ناظران به این نتیجه رسیده بودند که این سرود با کلمه «ای مجاهد» شروع می‌شود و قابل پخش نیست. دلیل‌شان هم این بود که یادآور همان‌هایی است که ما به آنها منافق می‌گوییم. بنابراین این سرود قابل پخش نیست! اگر اسم این کار نظارت است، صد و هزاران تأسف باید بر این نظارت‌ها خورد. طبیعتاً این گونه نظارت‌ها نتیجه خوبی هم نخواهد داشت. آنها تمام مفاهیم بسیار درخشانی که در این شعر برای این مجاهد بزرگ یعنی امام خمینی سروده شده را کنار گذاشتند و فقط به کلمه «مجاهد» ایراد وارد کرده و اصل معنا و مفهوم این سروده را نادیده گرفتند. در صورتی که کلمه مجاهد در قرآن آمده است. من به آنها گفتم شما می‌دانید چقدر در قرآن کلمه مجاهد آورده شده است؟ بارها و بارها کلمه مجاهد و جهاد در قرآن آمده است. شما به یک سرود که پیام به این بزرگی داشت و آن همه حرف‌های خوب در آن زده شده توجه نکردید و می‌خواهید همه جامعه را محروم کنید به خاطر اینکه این سرود با کلمه مجاهد شروع می‌شود؟! خب این از نداشتن علم موسیقی نیست، این از نداشتن فهم طبیعی یک آدم است. این اتفاق بارها توسط مجموعه‌های ناظر افتاده است. همه اینها از نادانی است نه بی‌علمی.

سیاست‌های امروز متولیان موسیقی مثل وزارت ارشاد و صدا و سیما را چطور ارزیابی می‌کنید؟

از نتیجه کارها باید بفهمیم که سیاست‌ها چطور است! یک‌سری موسیقی‌ها مجوز می‌گیرند که شاید نتوانیم با خیال راحت آنها را به جامعه ارائه بدهیم و بگوییم این موسیقی پیام ادبی و اجتماعی و فرهنگی دارد. صدا و سیما هم همین طور است. این همه کار در صدا و سیما پخش می‌شود، کدام یک سر زبان‌های مردم است؟ چرا به دل‌ها نمی‌نشیند؟ نمی‌خواهم بگویم همه‌شان این طور است اما درصد خیلی کمی از آنها این‌طور هستند. این بدان معناست که سیاست‌گذاری‌ها ایراد دارد که نتیجه‌اش این گونه می‌شود. امیدوارم کسانی که باید کاری کنند تا بیش از این دیر نشده به داد فرهنگ موسیقایی مملکت برسند. موسیقی اوایل انقلاب هنوز هم برای مردم خوشایند است. باید بررسی کرد آنها چه ویژگی‌هایی داشتند که چنین ماندگار شده و اساساً موسیقی برای اینکه ماندگار بماند باید چه ویژگی‌ای داشته باشد. وقتی ذوق و شور گروهی که حتی زمان انقلاب به دنیا نیامده بودند را در مورد موسیقی انقلاب و کارهایم می‌بینم و نظراتشان را می‌شنوم خیلی خوشحال می‌شوم.

جوان‌های بعد از انقلاب وقتی این کارها را می‌شنوند، ابراز علاقه می‌کنند و در آن ویژگی‌هایی می‌بینند که شاید خود من که سازنده‌اش بودم توجه نداشتم. همه اینها باعث می‌شود که احساس وجد کنم. از قدیم گفتند آن سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند. من فکر می‌کنم آن کارها چون خدایی بود و کسی دنبال این نبود که از قبل این کار، پولی درآورد یا پست و مقامی بگیرد ماندگار شد.

فرم اشتراک روزنامه جوان

✦ ۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
✦ ۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
✦ ۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
✦ ٤. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
✦ ۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: نام و نام خانوادگی: تلفن تماس:
نام شرکت یا موسسه: کدپستی الزامی است:
نشانی:

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۸۲۵/۰۰۰	۱/۷۵۰/۰۰۰	۲/۴۷۵/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.
آدرس: خیابان میرزای شیرازی، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم
تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰

روزنامه جوان

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۸/۹۸۱۸

صنایع شهید ستاری در نظر دارد، اقلام مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه و عقد قرارداد تامین نماید، متقاضیان می‌توانند در ساعات اداری به منظور دریافت برگ شرایط و مشخصات مناقصه به آدرس مشروحه ذیل مراجعه و پیشنهاد خود را ظرف مدت حداکثر ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی داخل صندوق مناقصه شماره ۱۲۱ این صنایع بیندازند؛ پیشنهادهای رسیده در کمیسیون مناقصه باز و نتیجه آن اعلام خواهد شد. صنایع شهید ستاری در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادها مختار می‌باشد و هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه خواهد بود.

۱. خرید غلاف فلزی (شامل ساخت و مونتاژ) به تعداد تقریبی ۲۰,۰۰۰ عدد.
۲. خرید لوله کامپوزیتی به تعداد تقریبی ٤۰۰ عدد.
۳. خرید قطعه فولادی (شامل: تهیه مواد، فورج و ماشین‌کاری، عملیات حرارتی و پوشش دهی) به تعداد ۲,۵۰۰ عدد.
٤. ماشین‌کاری قطعه فولادی به تعداد ۱۰,۰۰۰ عدد.
۵. برونسپاری ماشین‌کاری و پوشش دهی قطعه فولادی به تعداد تقریبی ۵۰,۰۰۰ عدد.
۶. خرید قطعه فولادی (شامل: تهیه مواد و ماشین‌کاری)به تعداد ۵۰,۰۰۰ عدد.
۷. خرید قطعه فولادی (شامل: تهیه مواد، پانچ و ماشین‌کاری، عملیات حرارتی و پوشش دهی)به تعداد ۳۰,۰۰۰ عدد

آدرس: تهران انتهای بزرگراه شهید بابایی به سمت شرق؛ جاده پارچین صنایع شهید ستاری.

تلفن تماس: ۳۵۷۶۸۸۴۱ –۳۵۷۶۸۸۳۹ دورنگار ۳۵۷۶۸۸۴۲

م‌الف: ۱۳۵۷